

ویژگی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس*

محمد اکرمی نیا^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۸

چکیده:

این مقاله به دنبال واکاوی ویژگی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس است. هدف اصلی این مقاله شناخت ویژگی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس است. سؤال مطرح شده عبارتست از این که ویژگی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس کدامند؟ در قالب فرضیه تحقیق به نظر می‌رسد ویژگی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس عبارت بوده است: ایدئولوژی انقلابی، عدم تعهد رادیکال، الهام‌بخشی، صدور انقلاب و ... پژوهش از نوع کاربردی است و با روش‌های توصیفی و تاریخی انجام شده است. داده‌های تحقیق با روش کتابخانه‌ای و ابزار اسناد و مدارک گردآوری شده و با روش تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد ویژگی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس عبارت بوده است: ایدئولوژی انقلابی، عدم تعهد رادیکال، الهام‌بخشی، صدور انقلاب، موازنه‌سازی، مدافع منطقه‌ای، هویت مقاومت، مدل‌سازی کنش انقلابی، کنش ژئوپلیتیکی و رهبر منطقه‌ای.

واژگان اصلی: سیاست خارجی، ایران، دفاع مقدس، ایدئولوژی، انقلاب.

۱. استادیار دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

مفاهیم جنگ و صلح، تهدید و مدیریت بحران را می‌توان در زمره موضوعاتی دانست که ارتباط مستقیمی با حوزه راهبردی و امنیت ملی کشورها دارد. در دوران دفاع مقدس حوزه سیاست خارجی ایران، در معرض تاثیر قرار گرفت. علت اصلی آن را می‌توان در سازوکارهای نظام بین‌الملل برای کاهش قدرت تحرک ژئوپلیتیکی ایران برای مقابله با تهدیدات عراق و بسیاری از حامیان آن کشور در سیاست بین‌الملل دانست.

جنگ تحمیلی را می‌توان پاسخی به تغییرات ایجاد شده در موازنه قدرت دانست. سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب دستخوش تغییرات اساسی شده و با توجه به آغاز جنگ تحمیلی در فاصله کمی از پیروزی انقلاب، جهت‌گیری سیاست خارجی ایران معطوف به پیروزی در دفاع مقدس تنظیم و اجرا شده است. «کرین بریتون» چالش‌های مربوط به ساخت داخلی و سیاست خارجی در دوران بعد از انقلاب‌ها را به عنوان وضعیتی اجتناب‌ناپذیر می‌داند.

پیوند حوزه سیاست خارجی و چگونگی ارتباط آن با مسایل دفاع مقدس می‌تواند درک دقیقی از نشانه‌های کنش الگویی ایران در حوزه راهبردی را منعکس سازد. سیاست خارجی مسیر مشخصی را برای تحقق اهداف عمومی کشورها به وجود می‌آورد. با گذشت نزدیک به چهار دهه از دوران دفاع مقدس هنوز نیاز به پژوهش در خصوص سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس وجود دارد زیرا ابعاد و ویژگی‌های سیاست خارجی ایران از پویایی‌های خاص برخوردار بوده است. در دهه‌های اخیر عدم شناخت کافی از ویژگی‌های سیاست خارجی دوران دفاع مقدس مانع از بهره‌گیری از تجربیات آن دوران دشوار برای مسئولان فعلی شده است. در دورانی که جنگ تمام عیار تحمیلی فشارهای اقتصادی و سیاسی بر ایران وارد ساخته بود انتخاب ویژگی‌های سیاست خارجی از اهمیت زیادی برخوردار بوده و بر روند سیاسی و اقتصادی کشور تاثیر فراوان داشته است. استفاده از تجربیات دوران دفاع مقدس راهگشای بسیاری از مسایل امروز می‌تواند باشد. بنابراین مسئله اصلی این پژوهش مشخص نبودن جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس است.

هدف اصلی این مقاله شناخت ویژگی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس است. سوال مطرح شده عبارتست از این که ویژگی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس کدامند؟ در قالب فرضیه تحقیق به نظر می‌رسد ویژگی‌های

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دفاع مقدس عبارت بوده‌اند از: ایدئولوژی انقلابی، عدم تعهد رادیکال، الهام‌بخشی، صدور انقلاب، موازنه‌سازی، مدافع منطقه‌ای، هویت مقاومت، مدل‌سازی کنش انقلابی، کنش ژئوپلیتیکی و رهبر منطقه‌ای.

اهمیت انجام پژوهش در این است که ویژگی‌های سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس را مورد شناسایی قرار می‌دهد و با استفاده از نتایج این تحقیق چراغ راهی پیش روی مسئولان سیاست خارجی کشور و دانشجویان علوم سیاسی روشن می‌شود. با استفاده از نتایج این پژوهش امکان برنامه‌ریزی و اتخاذ جهت‌گیری مناسب برای سیاست خارجی در دوران کنونی فراهم می‌شود.

در بیان ضرورت انجام این پژوهش می‌توان اشاره نمود که نتایج این تحقیق امکان پیش‌بینی فرآیندهای جدید در حوزه سیاست خارجی را به وجود آورده و به این ترتیب ایران همانند دوران دفاع مقدس در وضعیت غافلگیری راهبردی قرار نمی‌گیرد. بهره‌گیری از نتایج این پژوهش موجب کاهش هزینه‌های ایران در عرصه انتخاب ویژگی‌های سیاست خارجی می‌شود و با توجه به رفتارهای کنونی که از سوی برخی دشمنان جمهوری اسلامی ایران در قالب تحریم، تهدید و فشار وارد می‌شود از ضرورت اساسی برخوردار است.

مبانی نظری و ادبیات پژوهش:

جنگ در شرایطی حاصل شد که موازنه قدرت در محیط منطقه‌ای براساس شکل‌بندی انقلاب اسلامی ایران تغییر پیدا کرده و نشانه‌هایی از «هویت انقلابی» را منعکس می‌ساخت. هویت انقلابی منجر به تغییر در جهت‌گیری سیاست خارجی برخی از کشورهای اتحادیه عرب موسوم به «جبهه پایداری» گردید. صدام حسین که دارای رویکرد رادیکال در بین کشورهای جهان عرب بود، در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به گونه تدریجی به حوزه بازیگران محافظه‌کار گرایش پیدا نموده و به این ترتیب، مورد حمایت آنان در جنگ علیه ایران قرار گرفت. گراهام فولر در مطالعات ژئوپلیتیکی خود به این موضوع اشاره دارد که عراق به‌عنوان خط مقدم تعارض ژئوپلیتیکی ایران و دنیای عرب ایفای نقش می‌کند. صدام حسین توانست از طریق ایدئولوژی بعثی زمینه تشدید انگاره‌های ژئوپلیتیکی را به وجود آورد. اگرچه فرهنگ سیاسی، اجتماعی و مذهبی ایران و عراق در طی سالیان متمادی گذشته بر یکدیگر تاثیرگذار بودند، اما ناسیونالیسم عرب توانست تضادهای

ژئوپلیتیکی را با قالب‌های فرهنگی پیوند داده و صدام حسین چنین فضایی را در مقابله با ایران به کار گیرد. (فولر، ۱۳۹۰: ۲۴).

واقعیت این است که رویکرد ژئوپلیتیکی ایران از دهه ۱۹۵۰ تاکنون مبتنی بر سازماندهی امنیت دسته جمعی در خلیج فارس بوده است. همواره قدرت‌های بزرگ و کشورهای محافظه کار عرب که از ائتلاف با جهان غرب حمایت می‌کردند، اصلی‌ترین مخالفین چنین رویکردی بودند. واقعیت‌های سیاست خارجی ایران مبتنی بر سازماندهی نظم منطقه‌ای جدیدی بوده است که نقش قدرت‌های بزرگ را کاهش می‌دهد. چنین رویکردی طبعاً، کشمکش‌های جدیدی را در فضای سیاست خارجی ایران و کشورهای منطقه به وجود می‌آورد.

ایران در دوران دفاع مقدس توانست محورهای بنیادین سیاست خارجی خود در قالب: «امنیت دسته جمعی در خلیج فارس»، «همکاری‌های متقابل در خاورمیانه»، «حمایت از پیمان عدم تجاوز» و «همزیستی مسالمت آمیز با قدرت‌های بزرگ» را در دستور کار قرار دهد. چنین فرایندی می‌توانست زمینه‌های موازنه جدید منطقه‌ای را به وجود آورد. محورهای اصلی سیاست خارجی ایران در راستای حفظ امنیت ملی، اعمال حاکمیت سرزمینی، عدم تعهد انقلابی، صلح عادلانه با عراق، استکبارستیزی و اتکا به خود برای بهینه‌سازی معادله قدرت شکل گرفت.

گسترش انقلاب ایران در دوران دفاع مقدس ابعاد جدی‌تری در محیط منطقه‌ای پیدا کرد. اگرچه محور اصلی سیاست خارجی ایران در این دوران تاریخی، دفاع سرزمینی بوده است اما دترمیناسم انقلاب توانست تاثیر خود را در محیط منطقه‌ای به جا گذارد. زیرساخت‌های مقاومت و عملگرایی سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس ادامه پیدا کرد.

«آدلسون» نظریه اجماع راهبردی قدرت‌های بزرگ علیه ایران را در فرآیند دفاع مقدس مورد تحلیل و پردازش قرار داد. وی در مطالعات خود به این نتیجه رسید که خلیج فارس در زمره سیستم‌های تابع منطقه‌ای تحت کنترل نظام سرمایه‌داری قرار دارد. چنین مناطقی هیچ‌گاه نمی‌تواند در فضای خلاء امنیتی قرار داشته یا اینکه بازیگران گریز از مرکز در امنیت و سرنوشت آن تأثیرگذار باشند. نگرش آدلسون کاملاً ماهیت ساختاری دارد. آدلسون قدرت‌های بزرگ را محور اصلی کنترل بازیگران گریز از مرکز و مدیریت بحران حوادث مخاطره‌آمیز امنیتی در محیط‌های ژئوپلیتیکی می‌داند که از اهمیت راهبردی برخوردارند. (Adelson, 1994: 25)

در نگرش تحلیلی آدلسون مولفه‌هایی همانند رادیکالیسم، انقلاب، اسلام‌گرایی و صدور انقلاب

در زمره مولفه‌هایی محسوب می‌شد که ضرورت مقابله با آن توسط نیروهای موثر نظام بین‌الملل اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسید. هر یک از کشورهای موثر در سیاست بین‌الملل که نقش مداخله‌گرایانه ای ایفا می‌کنند، در زمره واحدهایی محسوب می‌شوند که درصدد کنترل فضای امنیت منطقه ای هستند. به این ترتیب آنان به اقدامات مداخله‌گرایانه و الگوهای رفتار کنترل‌کننده مبادرت می‌نمایند.

از نظر آدلسون، ساختار نظام بین‌الملل به گونه‌ای شکل گرفته که نیازمند کنترل محیط بحرانی خواهد بود. در چنین فرآیندی، نظام بین‌الملل از الگوهای کنش تعاملی برای مقابله با بازیگران ضد ساختاری در نظام بین‌الملل بهره می‌گیرد. در نگرش آدلسون، جمهوری اسلامی ایران با قواعد ساختار نظام بین‌الملل مخالف بوده در نتیجه زمینه برای اجماع استراتژیک در برابر آن به وجود می‌آید. زمانی که نظام بین‌الملل از قدرت کنترل موثری برخوردار باشد، طبعاً در آن شرایط از تلاش‌های سازمان یافته برای کنترل نیروهای انقلابی و رادیکال بهره خواهد گرفت (Adelson, 1994: 37).

نگرش والتزی به جنگ ایران و عراق، بیانگر آن است که نه تنها ساختار نظام بین‌الملل بلکه دولت‌ها و کارگزاران سیاسی کشورها در شکل‌گیری منازعات منطقه‌ای نقش تعیین‌کننده دارند. والتز بر این اعتقاد است که سطوح تحلیل مختلفی درباره تحلیل منازعات وجود دارد. سطح تحلیل رئالیستی بر موازنه‌گرایی تأکید دارد. سطح تحلیل صلح‌دموکراتیک معطوف به هژمونی لیبرال مداخله‌گرا خواهد بود. در این ارتباط والتز در صدد تحلیل این موضوع است که چگونه موازنه منطقه‌ای تحت تأثیر شرایط ساختاری قرار گرفته و فراتر از نقش دولت‌ها و کارگزاران می‌تواند واقعیت خود را بر کنش بازیگران تحمیل کند (والتز، ۱۳۹۸: ۱۱).

روش‌شناسی پژوهش:

پژوهش از نوع کاربردی است و با روش‌های توصیفی و تاریخی انجام شده است. داده‌های تحقیق با روش کتابخانه‌ای و ابزار اسناد و مدارک گردآوری شده و با روش تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. جامعه آماری تحقیق کلیه اسناد و مدارک مربوط به حوزه سیاست خارجی در دوران دفاع مقدس است و برای روایی و پایایی تلاش شده اسناد و مدارک دست اول و کاملاً مرتبط با موضوع تحقیق مورد استفاده قرار گیرند.

یافته‌های پژوهش:

جهت‌گیری سیاست خارجی ایران براساس رویکرد «نه شرقی و نه غربی» که نشانه‌هایی از عدم تعهد و موازنه منفی ایران در سیاست بین‌الملل را منعکس می‌کرد، مسیر لازم برای نقش‌یابی در دوران دفاع مقدس را اجتناب‌ناپذیر ساخت.

نظریه‌پردازانی همانند «کرین بریتون» به این موضوع اشاره دارد که جنگ بخشی از دترمینسم انقلاب است. انقلاب‌های سیاسی می‌توانند زمینه لازم برای تغییر در موازنه قدرت را به وجود آورند. هر انقلابی به ویژه انقلاب اسلامی ایران با نشانه‌هایی از پویایی‌های انقلابی و پراکندگی‌های اجتماعی همراه خواهد شد. واقعیت آن است که انقلاب‌ها از قدرت بسیج اجتماعی و بازسازی اراده جامعه برای مقابله با تهدیدات برخوردارند. نوع پژوهش ماهیت توسعه‌ای و کاربردی دارد.

برخی از همکاری‌های منطقه‌ای ایران منجر به تامین برخی از نیازهای تسلیحاتی جمهوری اسلامی در دورانی گردید که شورای امنیت سازمان ملل، تحریم‌های تسلیحاتی برای کاهش مزیت نسبی ایران در فرایند جنگ تحمیلی را اعمال کرده بود. به طور کلی می‌توان واقعیت‌های سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس را در قالب همکاری‌های چند جانبه بین‌المللی، همزیستی مسالمت‌آمیز، مقاومت و عملگرایی راهبردی برای تامین منافع ملی دانست.

جهت‌گیری عدم تعهد در سیاست خارجی ایران توانست انگاره «خوداتکایی»، «خودکفایی» و «خودیاری» در الگوی رفتاری ایران را اجتناب‌ناپذیر سازد. جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس توانست شکل خاصی از قدرت تاکتیکی خود را در روند رقابت، همکاری و منازعه در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی به کار گیرد. چگونگی تحقق این اهداف با موضوع قدرت ملی و سازوکارهای کنش ائتلاف‌ساز کشورها پیوند خواهد داشت. کشورهای مسلط در نظام جهانی تلاش داشتند تا مزیت نسبی ایران برای قدرت‌سازی را کنترل و محدود نمایند.

انگاره‌های کنش انقلابی و نگاه به درون در حوزه اقتصادی و سیاست خارجی توانست الگوی جدیدی از کنش منطقه‌ای را در روابط متقابل ایران با قدرت‌های بزرگ و بازیگران منطقه‌ای شکل دهد. سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس براساس نشانه‌های «عدم تعهد رادیکال» سازماندهی شد. مفهوم «نه شرقی و نه غربی» به معنای آن است که سیاست خارجی تلاش دارد تا شکلی از قدرت و امنیت را به دور از نقش‌یابی قدرت‌های بزرگ تعریف کند.

هویت انقلابی و مقاومت به‌عنوان کارت جدید سیاست خارجی ایران در دوران بعد از پیروزی

انقلاب اسلامی محسوب شده که جهان غرب توانست از طریق سازوکارهای «جنگ نیابتی عراق» زمینه‌های محدودسازی تحرک منطقه‌ای و ژئوپلیتیکی ایران را به وجود آورد. جنگ می‌توانست عامل موثری برای محدودسازی نقش منطقه‌ای ایران شود. حمایت بسیاری از کشورهای عرب خاورمیانه از صدام حسین به غیر از حافظ اسد، بیانگر آن بود که روندهای مقابله با ایران در فضای جنگ تحمیلی ماهیت عربی و هویتی پیدا کرده است.

۱. جهت‌گیری عدم تعهد رادیکال سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس

بررسی‌های تاریخی و ساختاری ایران بیانگر آن است که بخشی از کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی براساس آموزه‌های ایدئولوژیک شکل گرفته است. رهیافت‌های نظری سیاست خارجی ایران بر مبنای اندیشه‌های اسلامی روابط بین‌الملل بنا گردیده است. در چنین رویکردی، ایران به عنوان ام‌القری جهان اسلام محسوب می‌شود. کشوری که سیاست و منطقه‌ای ام‌القری را ایفا می‌کند، باید الگوهای کنش خود را در قالب دارالاسلام - دارالکفر تبیین نماید.

گراهام فولر در مطالعات خود به این موضوع اشاره دارد که در واقع انقلاب اسلامی درباره آنچه که از گذشته به ارث رسیده، به داوری نشسته است. حکومت ایران از بله‌قربان‌گویی چاپلوسانه نظام‌های سلطنتی پرهیز می‌کند و در برخورد با جهان و طرح مقاصد خود، صراحت و صراط مستقیم را ترجیح می‌دهد. مردم ایران که به خوبی نسبت به شیرین‌زبانی‌های نظام درباری واقف بودند، الگوی فسادناپذیری جمهوری اسلامی را تحسین می‌کنند. اگرچه خود ایرانیان انتظار ندارند که خصلت مناسبات اجتماعی ایران یک‌شبه عوض شود، اما فرآیند نوسازی کشور در جمهوری اسلامی به تدریج به شکل‌گیری نسل جدیدی از ایرانیان منجر شده که ترکیبی از صراحت و ارزش‌های دموکراتیک را با یکدیگر پیوند می‌دهند (فولر، ۱۳۹۰: ۳۴).

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس مفاهیمی شکل گرفته که بخش قابل توجهی از آن الهام‌گرفته از هنجارهای دینی و ساخت‌های راهبردی جمهوری اسلامی است. مفاهیمی همانند نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری به‌مثابه عزت، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و استکبارستیزی به‌مثابه جهت‌گیری رفتاری، دفاع از مسلمانان به‌مثابه اصل تعهد هنجاری، همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبی به‌مثابه قالب‌های آرمانی کنش همکاری‌جویانه کشورها مبتنی بر منابع و اندیشه‌های دینی و اعتقادی بوده است.

در دوران دفاع مقدس، جمهوری اسلامی از راهبرد عدم تعهد انقلابی بهره گرفته و توانست

زمینه تحقق اهدافی همانند سیاست نه شرقی و نه غربی، حمایت از نهضت‌های اسلامی و الگوی کنش انقلابی را در دستور کار قرار دهد. چنین راهبردهایی عمدتاً الهام‌گرفته از فرهنگ سیاسی ایران، ایدئولوژی و مذهب شیعه بوده است. ایدئولوژی اسلامی از چند طریق بر روندهای سیاست خارجی ایران تأثیر به جا گذاشته است. مفاهیمی همانند الهام‌بخشی، استکبارستیزی و سازوکارهایی همانند سنگر انقلاب و مرکزیت ایدئولوژی اسلامی منطقه‌ای بر روندها و آموزه‌های ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک دفاع مقدس تأثیر به جا گذاشت.

محور اصلی سیاست خارجی ایران را عدم تعهد رادیکال تشکیل می‌دهد. سازوکارهای عدم تعهد رادیکال را می‌توان در دوران دفاع مقدس مشاهده نمود. عدم تعهد رادیکال نشانه‌هایی از کنش انقلابی و رادیکال در محیط منطقه‌ای را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. چنین رویکردی بی‌انگیز آن است که اندیشه مقاومت، نقش آفرینی در پیرامون و گسترش حوزه ژئوپلیتیکی کشور در زمره شاخص‌های مربوط به عمق راهبردی ایران محسوب می‌شود. جهت‌گیری سیاست خارجی ایران در راستای امنیت‌سازی منطقه‌ای بدون توجه به نقش قدرت‌های بزرگ در محیط منطقه‌ای بوده است.

جهت‌گیری سیاست خارجی در دوران حکومت پهلوی براساس ائتلاف‌گرایی و در قالب «دکترین نیکسون» تنظیم شده بود. دکترین نیکسون توانست شکل جدیدی از معادله سیاست و قدرت در محیط امنیتی را به وجود آورد. چنین رویکردی به‌عنوان تلاشی غیرموثر در روندهای سیاست خارجی ایران بود. شاه در سال ۱۳۵۳ «سیاست خارجی مستقل ملی» را در دستور کار قرار داد. تغییر مرحله‌ای در جهت‌گیری سیاست خارجی پهلوی دوم مورد حمایت ایالات متحده قرار نگرفت.

هرگونه ائتلاف غرب‌گرایی، تعهدات راهبردی خاص خود را به وجود می‌آورد. ایران برای تکمیل حلقه امنیتی ایالات متحده در مدار ناتو، سیتو و آنزوس، به عضویت پیمان‌های بغداد، سنتو و «سازمان توسعه همکاری‌های منطقه‌ای»^۱ درآمد. رویکرد سیاست خارجی ایران در این دوران محافظه‌کارانه بوده و جهت‌گیری آن معطوف به حفظ وضع موجود بوده است. ایران و عربستان در زمره کشورهایی محسوب می‌شدند که نقش پلیس نیابتی در محیط منطقه‌ای را عهده‌دار بودند.

سیاست خارجی ایران در دوران حکومت پهلوی مبتنی بر ایفای «نقش حامی منطقه‌ای» بوده است. در دوران دفاع مقدس ایران از هیچ‌گونه حمایت بین‌المللی برخوردار نبود. علت اصلی آن را می‌توان در نوع جهت‌گیری سیاست خارجی و تأثیر آن در موازنه منطقه‌ای جستجو نمود. دکترین

نیکسون را می‌توان محور اصلی سیاست خارجی ایران در دهه ۱۹۷۰ دانست. در این دوران تاریخی نشانه‌هایی از ائتلاف، کنش مشارکتی، همکاری و رقابت ژئوپلیتیکی در الگوی کنش ایران و بازیگران منطقه‌ای به وجود آمد.

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ نه تنها ساختار سیاسی، بلکه روندهای مربوط به جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی را دگرگون نمود. پیروزی انقلاب اسلامی زمینه لازم برای تغییر در جهت‌گیری و نقش ملی سیاست خارجی ایران را به وجود آورد. اگر جهت‌گیری سیاست خارجی ایران در دوران حکومت پهلوی دوم معطوف به «ائتلاف و اتحاد» با جهان غرب بود، ایران در دوران بعد از انقلاب اسلامی از جهت‌گیری «عدم تعهد رادیکال» در سیاست خارجی خود استفاده کرد. مفهوم «انقلاب دوم» را می‌توان به‌عنوان نمادی از رویارویی ژئوپلیتیکی با قدرت‌های بزرگ در محیط منطقه‌ای دانست.

۲- ایدئولوژی انقلابی ایران در دوران دفاع مقدس

دومین نشانه جهت‌گیری سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس بهره‌گیری از سازوکارهای مربوط به «ایدئولوژی انقلابی» بوده است. ویژگی اصلی ایدئولوژی انقلابی آن است که زیرساخت‌های لازم برای کنش سیاسی و راهبردی بازیگران در فضای رقابت‌های منطقه‌ای را شکل داده و عامل توجیه و تحرک سیاست خارجی ایران در محیط منطقه‌ای خواهد بود. ایدئولوژی انقلابی دارای جهت‌گیری تغییر وضع موجود بوده و تلاش دارد تا شکل جدیدی از موازنه را بازتولید کند.

ایدئولوژی یکی از عناصر اصلی سیاست خارجی ایران محسوب می‌شود. اگرچه نظریه‌پردازان واقع‌گرا همانند مورگنتا به این موضوع اشاره دارند که ایدئولوژی پوششی برای پنهان‌داشتن واقعیت‌های سیاست خارجی و الگوی کنش راهبردی کشورها محسوب می‌شود، اما تمامی کشورها در نظام بین‌الملل بین حوزه منافع ملی، اهداف ساختاری نظام سیاسی و جهت‌گیری ایدئولوژیک رابطه متقابل و در هم‌تنیده‌ای برقرار می‌کنند. ایدئولوژی سیاست خارجی جمهوری اسلامی نقش محوری در الهام‌بخشی داشت است.

نظام‌های ایدئولوژیک از قابلیت تحرک ژئوپلیتیکی موثری در حوزه سیاست خارجی برخوردارند. ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران معطوف به مقابله با تهدیدات قدرت‌های بزرگ بوده

است. ایدئولوژی حمایت از گروه‌های اجتماعی، مردم‌گرایی، عدالت و مبارزه با ساخت‌های الیگارشیک را می‌توان در زمره محورهای اصلی ایدئولوژی سیاست خارجی ایران دانست. حمایت از مستضعفین و نظام‌های انقلابی در حوزه شاخص‌های ایدئولوژیک سیاست خارجی ایران قرار می‌گیرد که تابعی از «رویکرد دارالاسلام و دارالکفر» خواهد بود.

اسکاچپل نظریه انقلاب اسلامی ایران را براساس دو متغیر «دولت رانیر» و «مذهب شیعه» در ایران تبیین نمود. اسکاچپل در آثار کلاسیک خود انقلاب‌های اجتماعی را مربوط به دورانی می‌داند که تحول بنیادین در ساخت سیاسی کشور شکل می‌گیرد. اسکاچپل انقلاب‌های اجتماعی را مربوط به نظام‌های سیاسی در حال گذار می‌داند. نظام‌هایی که ساخت تولید اقتصادی مبتنی بر کشاورزی را تجربه نموده و در شرایط گذار قرار می‌گیرند، از آمادگی لازم برای تغییرات انقلابی برخوردارند (اسکاچپل، ۱۳۸۹: ۲۱۸).

وجوب جهاد دفاعی از ضروریات فقه است که به حکم عقل و شرع واجب شده است. در مکتب قرآن، حیات بشری و بقای اعتقادات مذهبی و اماکن مقدس، مرهون حس فطری بشر در دفاع دانسته شده است. قرآن در این باره می‌فرماید: به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آنها تواناست. آن مؤمنانی که به ناحق از خانه‌هایشان آواره شده (و جرمی نداشتند) جز آنکه می‌گفتند: پروردگار ما خدای یکتاست. و اگر خدا (رخصت جنگ ندهد و) دفع شر بعضی از مردم را به بعض دیگر نکند همانا صومعه‌ها و دیرها و کنشت‌ها و مساجدی که در آن (نماز و) ذکر خدا بسیار می‌شود همه خراب و ویران شود. و هر که خدا را یاری کند البته خدا او را یاری خواهد کرد، که خدا را منت‌های اقتدار و توانایی است. (قرآن کریم، سوره حج: آیات ۳۹ و ۴۰).

سیاست دفاعی را که معمولاً فقها مصداق جهاد نمی‌شمارند، دفاع شخصی از جان و مال و زن و فرزند در برابر دزدان و راهزنان است؛ گرچه روایاتی در این مورد نیز مبنی بر این امر وجود دارد که هر کس در چنین مواقعی کشته شود، شهید است. اما دفاع از دین و مکتب به هر صورتی در برابر مهاجمان کافر، مشرک یا مسلمانان فاسق و باغی که کیان اسلام و جامعه اسلامی یا سرزمین‌های مسلمین یا جان و مال مسلمانان را مورد هجوم قرار دهند، قطعاً جهاد در راه خداست. در منطق قرآن دفاع، ضامن صلاح جوامع است و متقابلاً تسلیم، عامل بروز فساد در زمین می‌باشد. در این زمینه قرآن کریم می‌فرماید: ... و اگر خدا برخی مردم را در

مقابل بعضی دیگر بر نمی‌انگیخت فساد روی زمین را فرا می‌گرفت، ... وَ لَوْ لَّا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ ... (قرآن کریم، سوره بقره: آیه ۲۵۱).

سید علی طباطبایی صاحب «ریاض المسائل» از اطلاق جهاد بر «دفاع در برابر هجوم کفار» سخن گفته و ترس از استیلای کفار بر بلاد مسلمین و گرفتن مال آنها و امثال آن را هر چند اندک باشد، در این مفهوم وارد کرده است. محقق اردبیلی حتی احتمال شمول آیه نسبت به «دفاع شخصی از جان و مال در برابر محارب» را نیز مطرح کرده است. از نظر وی، آیه ظهور در جهاد دفاعی دارد و حتی حرم بودن محل جنگ یا ماه حرام بودن زمان وقوع جنگ، در جهاد دفاعی بلامانع است.

شیخ محمد رضا همدانی در «رساله جهادیه» خود می‌نویسد: «[یکی از اقسام جهاد] دفاع کفار از مسلمین است که آن را جهاد گویند و این قسم از جهاد، مشروط نیست به وجود امام یا نائب خاص او، بلکه در زمان غیبت امام فقیه جامع شرایط می‌تواند متولّی جهاد به این معنا شود. پس هرگاه مشرکین در مقام جنگ با طایفه‌ای از طوایف مسلمین بر آیند، هرگاه خود آن طایفه کفایت در رفع شر آنها نمایند، بر سایرین لازم نیست که به مقام مقاتله بر آیند.»

اگر کفایت نکنند، بر کسانی که به آن طایفه نزدیک‌ترند واجب است که اعانت از ایشان بنمایند و دفع فتنه کفار را از ایشان کنند و اگر اقرب کفایت نکنند، بر اقرب به اقرب لازم است و هكذا به ترتیب تا رفع کفار شود، اگر هیچ‌یک اقدام نکنند همه مؤاخذ و معاقب خواهند بود و فرقی نیست در وجوب اعانت میان اینکه خوف بر دین باشد یا بر عرض و مال مسلمین که در هر صورت لازم است که اعانت نمایند از مسلمین که کفار بر ایشان هجوم آورده است.»

بر اساس مستندات قواعد فقهی در دفاع از اصل اسلام و قلمرو آن، بیم از استیلای سیاسی و اقتصادی منجر به اسارت (گرفتاری) سیاسی و اقتصادی و خواری و سست شدن اسلام و مسلمین، دفاع را با وسایلی «مشابه با وسایل تهدیدگر» و «مقاومت منفی» (ترک هرگونه خریدن کالاها و استفاده از آنها و ترک هرگونه مرادده و معامله با تهدیدکنندگان) واجب می‌کند. بعلاوه، در صورتی که در مرادوات (ارتباطات) تجاری و جز آن، بیم از استیلای سیاسی و غیرسیاسی بیگانگان بر قلمرو اسلام و کشورهای مسلمین و در نتیجه آن، بیم از استعمار آنها یا کشورهایشان ولو به صورت معنوی وجود داشته باشد، پرهیز از این مرادوات، بر همه مسلمانان واجب است و این مرادوات حرام می‌باشند.

۳- الهام‌بخشی سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس

سومین ویژگی سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس را می‌توان معطوف به الهام‌بخشی دانست. الهام‌بخشی در سیاست خارجی بیانگر الگوی کنش رفتاری بازیگرانی است که از قابلیت لازم برخوردار بوده و قادر است تا زمینه تغییر در موازنه قدرت را به وجود آورد. الهام‌بخشی سیاست خارجی از این جهت اهمیت دارد که زیرساخت‌های لازم برای تغییر در الگوی رفتاری کشورها در محیط منطقه‌ای را به وجود می‌آورد. ایران از سازوکارهای هویت انقلابی و هویت مقاومت در مقابله با محافظه‌کاری منطقه‌ای بهره گرفت.

جمهوری اسلامی ایران از الهام‌بخشی ایدئولوژیک و رسالت‌گرایی راهبردی برای ایفای سیاست رهبر منطقه‌ای استفاده به عمل می‌آورد. چنین رویکردی در جهت جایگاه یابی ایران در چارچوب سند چشم‌انداز توسعه محسوب می‌شود. انقلاب اسلامی ایران، راهبرد صدور انقلاب را بر اساس سازوکارهایی همانند الهام‌بخشی پیگیری نموده است. کشوری که در روند الهام‌بخشی قرار می‌گیرند باید بتوانند از مطلوبیت‌های راهبردی سایر بازیگران حمایت به عمل آورد. چنین اقدامی به عنوان بخشی از سیاست خارجی ایران در محیط منطقه‌ای محسوب می‌شود.

اندیشه مقاومت در سیاست خارجی رابطه مستقیم با قالب‌های الهام‌بخشی داشته است. الهام‌بخشی را می‌توان نشانه‌ای از کنش ساختاری ایران در محیط منطقه‌ای و سیاست بین‌الملل دانست. برخی از نظریه‌های دفاع مقدس مربوط به این مفهوم است که جنگ تحمیلی واکنشی نسبت به الهام‌بخشی ایران در محیط منطقه‌ای بوده است. کنش سیاسی و سیاست خارجی ایران بیانگر این واقعیت است که روند الهام‌بخشی و اندیشه مربوط به صدور انقلاب در سال‌های بعد از جنگ تحمیلی نیز ادامه داشته است.

الهام‌بخشی را می‌توان به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران دانست. کشورهایی که از رویکرد مبتنی بر الهام‌بخشی بهره می‌گیرند، دارای نگرش رسالت‌گرا بوده و برای تحقق اهداف خود از سازوکارهای مقاومت و تجدیدنظرطلبی در روندهای سیاست خارجی بهره می‌گیرند. سیاست خارجی ایران در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تمام ویژگی‌های رفتاری کشورهای در حال گذار انقلابی و رادیکال را داشته است.

الهام‌بخشی از این جهت اهمیت دارد که رابطه بین قدرت، سیاست، ژئوپلیتیک و نظم راهبردی جدیدی را تعریف می‌کند که از سوی جمهوری اسلامی بر محیط منطقه‌ای سایه افکننده بود. نشانه-

های الهام بخشی در اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران و همچنین در متغیرهای الگویی سیاست خارجی قابل مشاهده می‌باشد. از سوی دیگر، باید نشانه‌هایی از جمله سنگر انقلاب رهایی‌بخش، حمایت از جنبش‌های انقلابی و مرکزیت مقابله با نظام سلطه را در سیاست خارجی ایران مورد ملاحظه قرار داد.

۴- صدور انقلاب در سیاست خارجی ایران

چهارمین ویژگی انقلابی سیاست خارجی ایران را می‌توان در سازوکارهای مربوط به «صدور انقلاب» جستجو نمود. صدور انقلاب یکی از نشانه‌ها و فرآیندهای سیاست خارجی ایران است. کشوری که از جهت‌گیری سیاست خارجی عدم تعهد رادیکال استفاده می‌کند، طبیعی است که نظم موجود در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی را مورد پذیرش قرار نمی‌دهد. صدور انقلاب بخشی از رویکرد «نقد ساختاری» نظام بین‌الملل توسط جمهوری اسلامی ایران است. در فضای الهام‌بخشی همواره انگاره‌های کنش متقابل منطقه‌ای به وجود می‌آید که در نقطه مقابل رویکرد صدور انقلاب ایران شکل گرفته است.

زامامداران و بخش قابل توجهی از کارگزاران جهان عرب تمایلی به پذیرش ایران به‌عنوان بازیگر اسلامی در محیط منطقه‌ای ندارند. آنان به این موضوع اشاره دارند که ایران دارای انگاره‌ها و قالب‌های فرهنگی کاملاً متفاوتی با جهان عرب سنی مذهب است. به همان‌گونه‌ای که گروه‌های اجتماعی از سازوکارهای کنش هماهنگ استفاده می‌کنند، بازیگران سیاست جهانی نیز تلاش می‌کنند تا اقدامات محدودکننده‌ای را در برابر سیاست‌های ایران ایجاد کنند. موضوع صدور انقلاب زمینه لازم برای تغییر در معادله موازنه منطقه‌ای را به وجود آورده است.

رویکرد صدور انقلاب در الهام‌بخشی سیاست خارجی ایران، زمینه شکل‌گیری برخی از تهدیدات از جمله جنگ تحمیلی را به وجود آورد. در فرآیند صدور انقلاب، رهبران سیاسی ایران تلاش نمودند تا جمهوری اسلامی را به عنوان مرکز و پایگاهی برای انقلاب‌های سیاسی منطقه‌ای قرار دهند. الهام بخشی سیاست خارجی ایران را می‌توان براساس چگونگی تعامل با جنبش‌های آزادیبخش مورد توجه قرار داد. تعامل‌گرایی سیاست خارجی ایران معطوف به اتخاذ الگوهایی محسوب می‌شود که زمینه کنش انقلابی در محیط منطقه‌ای را بوجود می‌آورد.

سیاست صدور انقلاب یکی از شاخص‌های اصلی سیاست خارجی ایران در مواجهه با نظام

سلطه محسوب می‌شود. روح الله رضانی بر این اعتقاد است که سیاست خارجی مبتنی بر الهام بخشی ایران، محور اصلی تضادهای جمهوری اسلامی با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس محسوب می‌شود. صدور انقلاب یکی از شاخص‌های الهام بخشی سیاست خارجی ایران بوده و از طریق تبلیغات، سازماندهی هسته‌های مقاومت و حمایت از جنبش‌های انقلابی امکان پذیر می‌باشد.

۵- موازنه‌سازی در سیاست خارجی ایران

ایران در دوران دفاع مقدس از سازوکارهای موازنه منطقه‌ای بهره گرفته است. نگرش کوردزمن معطوف به کنترل مستقیم و غیرمستقیم بازیگران گریز از مرکز منطقه‌ای خاورمیانه بر اساس زیرساخت‌های قدرت سیاسی و امنیتی بوده است. کوردزمن بیش از هر نظریه‌پرداز دیگری نسبت به فرایندهای تغییر موازنه قدرت در خاورمیانه حساسیت داشته است.

رویکرد آتونی کوردزمن درباره موضوعات امنیتی خاورمیانه بر اساس نشانه‌هایی از موازنه‌گرایی است که اسرائیل بتواند موقعیت خود را در محیط منطقه‌ای ارتقاء دهد. کوردزمن هرگونه تحول ژئوپلیتیکی و دگرگونی در معادله قدرت بازیگران مختلف را به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار بر روند جنگ ایران و عراق می‌داند. منطق موازنه در اندیشه کوردزمن منجر به شرایطی می‌شود که امریکا و اتحاد شوروی حمایت دوفاکتو و غیرمستقیم خود از اقدام نظامی عراق علیه ایران را به انجام رساندند.

سیاست موازنه ایران نیز دارای نشانه‌هایی از مقاومت در برابر الگوی کنش تهاجمی قدرت‌های بزرگ بوده است. واقعیت‌های سیاست بین‌الملل بیانگر این موضوع است که چگونه امریکا و اتحاد شوروی با اتخاذ «سیاست بی‌طرفی»، زمینه تداوم تهاجم عراق به ایران را به وجود آوردند. این بازیگران هیچ‌گونه مانعی برای تحرک منطقه‌ای صدام حسین در تهاجم علیه مرزهای جغرافیایی و امنیتی ایران به عمل نیاوردند. الگوی کنش امریکا و اتحاد شوروی در شورای امنیت سازمان ملل نیز بیانگر این واقعیت است که آنان با طرح موضوع «آتش‌بس بدون بازگشت کشورها به مرزهای بین‌المللی» به گونه غیرمستقیم از فرآیند کنش تهاجمی صدام حسین به ایران حمایت کردند.

نقش حمایتی امریکا و اتحاد شوروی از عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران واقعیت عینی داشته و بخشی از سازوکارهای کنش تاکتیکی قدرت‌های بزرگ برای کنترل بازیگران گریز از مرکز محسوب می‌شود. آنان بر همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه قدرت‌های بزرگ ساختار دوقطبی

تأکید داشته و آن را ضرورت اجتناب‌ناپذیر بازیگران ساختاری در برابر رفتار بازیگران «گریز از مرکز» می‌دانند. بر اساس چنین نگرشی، هرگونه همکاری‌های متقابل قدرت‌های بزرگ زیربنای موازنه قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی برای کنترل منابع، محیط، حوادث و تحولات ساختاری خواهد بود (Cordesman and Wagner, 1990:279).

۶- سیاست مدافع منطقه‌ای ایران در دوران دفاع مقدس

هر نظام سیاسی می‌بایست از سازوکارهایی استفاده کند که زمینه لازم برای «بقا» و «قدرت‌سازی» برای مقابله با تهدیدات را فراهم آورد. نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل بقا و قدرت‌سازی را در زمره ضرورت‌های راهبردی هر کشوری می‌دانند. در یک نظام بین‌المللی همه واحدهای مستقل، یکی از سه سمت‌گیری «عدم تعهد»، «اتحاد و ائتلاف»، «انزوا و بی‌طرفی» را اتخاذ می‌کنند. این سمت‌گیری‌ها خود عواملی چون ساختار نظام، تصور از خطر، سطوح درگیری، ایستارهای رادیکال و محافظه‌کارانه و مانند آنها را منعکس می‌نمایند.

سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس مبتنی بر نشانه‌هایی همانند «تحرک منطقه‌ای»، «مصالحه‌گرایی» و «عقلانیت تاکتیکی» بوده است. ایران در دوران دفاع مقدس توجه چندانی نسبت به ضرورت‌های ساختاری نظام بین‌الملل نداشت. ایران بر این اعتقاد بود که ساختار نظام بین‌الملل غیرعادلانه بوده و حقوق ملی کشورها را نادیده می‌گیرد. قطعنامه‌های شورای امنیت در برابر ایران بیانگر جهت‌گیری ساخت نظام بین‌الملل برای محدودسازی نقش ملی و کنش منطقه‌ای ایران در دوران جنگ تحمیلی بوده است.

ایران در دوران حکومت پهلوی دوم از «راهبرد ائتلاف» برای تحقق اهداف و امنیت ملی ایران بهره گرفت. طبیعی است که «راهبرد عدم تعهد» جمهوری اسلامی نمی‌توانست با سازوکارهای مربوط به تقسیم بین‌المللی کار و ضرورت‌های اقتصاد جهانی هماهنگی داشته باشد. در چنین شرایطی بود که زمینه برای محدودسازی قدرت ایران از طریق سازوکارهایی همانند ناامن‌سازی، کودتا، جنگ تحمیلی و مداخله نرم‌افزاری به وجود آمد. دکترین نیکسون را می‌توان شکل‌بندی راهبردی و امنیتی نقش ملی ایران در حمایت از نظام سیاسی غرب‌محور دانست.

ایران همچنین در شکل‌بندی‌های امنیت منطقه‌ای همانند «پیمان بغداد» و «پیمان ستو» مشارکت داشته است. قرارداد دوجانبه همکاری‌های متقابل ایران و ایالات متحده در سال ۱۹۵۴ را می‌توان

یکی دیگر از شاخص‌های اصلی سیاست خارجی و نقش ملی ایران در دوران حکومت پهلوی دانست. انقلاب اسلامی ایران زمینه‌های لازم برای تغییر در نقش ملی جمهوری اسلامی را به وجود آورد. سیاست ایران در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی براساس شاخص‌هایی همانند «مدافع منطقه‌ای»، «الهام‌بخشی» و «اثربخشی منطقه‌ای» دانست.

سیاست مدافع منطقه‌ای از این جهت اهمیت دارد که چگونگی رابطه بین بازیگران اجتماعی، ساختاری و بین‌المللی را منعکس می‌سازد. بازیگری که دارای سیاست مدافع منطقه‌ای است، عموماً تلاش می‌کند تا موقعیت خود را ارتقا داده و از امنیت ملی سایر بازیگران حمایت به عمل آورد. چنین بازیگری عموماً دارای نقش موازنه‌دهنده در بحران‌های منطقه‌ای است. بازیگران مداخله‌گر محیط منطقه‌ای و بین‌المللی که محوریت تبیین فرایندهای سیاسی و ساختاری در نظام بین‌الملل را عهده‌دار می‌باشند، تلاش خواهند داشت تا از یک سو مبادرت به «کنترل بازیگران»^۱ نموده و از سوی دیگر، سعی بر «کنترل حوادث»^۲ می‌نمایند (بریچر، ۱۳۸۲: ۶۴).

سیاست تابعی از جهت‌گیری سیاست خارجی ایران می‌باشد. در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست و جهت‌گیری سیاست خارجی با تغییراتی روبرو گردید. سیاست خارجی پهلوی دوم معطوف به ائتلاف و اتحاد با جهان غرب بود. نشانه‌های آن را می‌توان در پیوندهای امنیتی، همکاری‌های سیاسی و روابط اقتصادی ایران با کشورهای جهان غرب در سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۵۳ دانست. در این دوران ایران با کشورهای آمریکا و انگلیس قرارداد همکاری‌های امنیتی متقابل امضا کرده بود.

سیاست مدافع منطقه‌ای در راستای کنترل الگوی رفتار بازیگران مداخله‌گر سیاست بین‌الملل در برخورد با بازیگران محیطی و منطقه‌ای است. در روند جنگ ایران و عراق نشانه‌های خاصی از موازنه‌سازی قدرت منطقه‌ای ایران از طریق سازوکارهای کنش نیابتی شکل گرفت. هر یک از بازیگران مداخله‌گر نظام بین‌الملل دارای الگوی رفتاری و رویکرد خاصی بوده و تلاش می‌کنند تا شکل‌بندی‌های ساختاری متنوعی را ارائه دهند. تحلیل بحران‌های منطقه‌ای بر اساس شکل‌بندی‌های موازنه قدرت و الگوی کنش بازیگران مداخله‌گر بین‌المللی حاصل می‌شود.

در ساختار دوقطبی انگیزه بازیگران مداخله‌گر محیط منطقه‌ای و بین‌المللی برای تاثیرگذاری بر بحران‌های منطقه‌ای از جمله فرایند جنگ ایران و عراق، نقش و اهمیت ویژه‌ای داشته است. بازیگران

^۱.Control of Actors

^۲.Control of Events

مداخله‌گر نظام بین‌الملل، الگوی رفتاری خود را براساس نشانه‌هایی همانند «عقلانیت راهبردی» و «مصلحت‌ساختاری» به انجام می‌رسانند. قواعد «رقابت - همکاری» در کنش قدرت‌های بزرگ ساختار دوقطبی به‌عنوان موضوعی جدی و اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود (بریچر، ۱۳۸۲: ۲۵)

نگرش ساختاری بریچر به این موضوع توجه و تأکید دارد که بازیگران ساختاری نظام بین‌الملل نیازمند «کنترل منابع»^۱ و «کنترل بازیگران» در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی هستند. وجود چنین ضرورت‌هایی منجر به شکل‌گیری فرایند مداخله‌گرایی می‌شود. بازیگران مداخله‌گر محیط منطقه‌ای و بین‌المللی در برابر حوادث منطقه‌ای و بین‌المللی واکنش نشان می‌دهند. این بازیگران به عنوان «نیروی مداخله‌گر»^۲ در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی ایفای نقش نموده و از قابلیت لازم برای تأثیرگذاری در محیط منطقه‌ای برخوردارند.

براساس سیاست حامی منطقه‌ای، دولت پهلوی از سازوکارهای حمایتی برای حفظ نظام‌های سیاسی محافظه‌کار منطقه‌ای استفاده کرد. در این دوران تاریخی، نقش سیاسی و امنیتی حکومت شاه را می‌توان در حمایت از کردهای عراق، حمایت از دولت سلطان قابوس در عمان و حفاظت از امنیت خلیج فارس دانست. سیاست ایران در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مبتنی بر نشانه‌هایی از «الهام‌بخشی منطقه‌ای» بوده است. راهبرد مبتنی بر الهام‌بخشی زمینه لازم برای حمایت تدریجی ایران از گروه‌های انقلابی را به وجود آورد. گروه‌هایی که در آینده از آنان به‌عنوان جبهه مقاومت نام برده شده است.

مفهوم سیاست را می‌توان تعریفی دانست که سیاستگذاران از انواع متداول تصمیمات، تعهدات، قواعد و اقدامات مناسب برای دولتشان و وظایفی که دولتشان باید در شرایط گوناگون جغرافیایی و موضوعی ایفا کند، به عمل می‌آورند. دو نمونه برجسته از سیاست‌های ایران عبارتند از: «مدافع منطقه»، یعنی نقش حراست از دولت‌های دیگر در منطقه‌ای معین یا «رهبر منطقه‌ای»، یعنی نقش کمک به کشورها و سازمان‌های انقلابی برای پیگیری اهداف و فرایندهای هویتی را می‌توان در زمره چنین رویکردی دانست.

سیاست عدم تعهد رادیکال با نشانه‌هایی از الهام‌بخشی سیاست خارجی ایران پیوند یافته است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی معطوف به حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش بوده است.

^۱.Control of Sources

^۲.Intrusive System

جنبش‌های آزادی‌بخش را می‌توان به‌عنوان نمادی در مقابله با نظام‌های سیاسی اقتدارگرا و مورثی منطقه‌ای دانست. چنین رویکردی طبعاً با انگیزه‌ها و انتظارات نظام‌های سیاسی ستی و محافظه‌کار جهان عرب در محیط منطقه‌ای همخوانی چندانی نداشته است. در این فرآیند همچنین می‌توان تأکید داشت که نشانه‌های الهام‌بخشی در سیاست خارجی ایران را می‌توان براساس «سیاست» جمهوری اسلامی مورد توجه قرار داد.

۷- سیاست هویت مقاومت و دفاع مقدس

سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس با نشانه‌هایی از «هویت مقاومت» شکل گرفت. ویژگی اصلی هویت مقاومت را می‌توان در کنش‌گری، ائتلاف‌سازی در حاشیه و جستجوی پارادایم جدیدی دانست که از قابلیت لازم برای تغییر در موازنه قدرت و سیاست منطقه‌ای برخوردار است. گیدنز و آلن تورن تلاش نمودند تا رابطه متقابل «سوژه و هویت مقاومت» را تبیین نمایند. واقعیت آن است که هویت مقاومت بخشی از نشانه‌های کنش بازیگران انتقادی عصر جدید می‌باشد.

انقلاب اسلامی ایران را می‌توان اولین نشانه ظهور بازیگران انتقادی و هویت مقاومت در برابر چالش‌های اجتماعی و اقتصادی جهان مدرن از خود بیگانه شده دانست. تورن به این موضوع اشاره دارد که «من سوژه را با توجه به مقاومت در برابر جهان غیرانسانی مصرف، خشونت و جنگ تعریف می‌کنم. ما پیوسته در حال طرد شدن، تکه‌تکه شدن و فریفته شدن هستیم و پیوسته از حالتی به حالت دیگر تغییر می‌یابیم و محرک‌های عمل جدیدی بر رفتار ما تأثیر می‌گذارد. ما در همهمه وضعیت سرسام‌آور رفتارها، عکس‌العمل‌ها، احساسات و اندیشه‌های بی‌شمار گم شده‌ایم» (تورن، ۱۳۹۶: ۱۶۵).

هویت اجتماعی ایران با رهیافت‌های مربوط به الهام‌بخشی سیاست خارجی ایران هماهنگی دارد. گراهام فولر به این موضوع اشاره دارد که ایران همواره مرکزی برای حمایت از جنبش‌های اجتماعی بوده است. فولر اعتقاد دارد که استمرار خارق‌العاده تاریخ و تمدن پیچیده ایران، این کشور را به یک تجربه ملی چندوجهی و بغرنج و میراثی از فرهنگ ملی غنی و پیچیده مجهز کرده است. نامنی‌های تاریخی، زیستن در شرایط بی‌ثباتی، مرگ و انقیاد بیگانه را منعکس می‌کند. نشانه‌هایی از سوءظن و بیگانه‌هراسی را می‌توان در تاریخ و فرهنگ اجتماعی ایران مشاهده کرد. ایران از سال‌های دور گذشته، پناهگاه الهام‌یافتگان و اهل مکاشفه بوده است (فولر، ۱۳۹۰: ۱۷).

هویت ایرانی دارای ریشه‌های تاریخی کهن بوده است. ایران قرون وسطی نیز قبله‌گاه ناراضیان، شورشیان، زاهدان تاریک‌الدنیا، پیامبران و صوفیان بوده است. تشیع نیز آموزه‌ای است که بخشی از این روحیه قیامت‌نگر از زندگی انسانی را که مبتنی بر مضمون‌هایی همانند هیجان عاطفی، رنج و ستم بوده را انعکاس داده است. مراسم آیینی شهادت امام حسین نمادی از تمثیل سیاسی رنج کشیدن به خاطر گسترش عدالت خداوندی بر روی زمین تلقی می‌شود (Kapusinski, 1982: 45).

موج‌های تحول صنعتی و تکنولوژیک در کشورهای مختلف زمینه لازم برای گسترش قالب‌های کنش هنجاری را به وجود آورده است. هرگونه الهام‌بخشی بدون ابزارهای ارتباطی و پیام ارتباطی امکان‌پذیر نیست. هنجارها را می‌توان زیربنای پیام ارتباطی کشورها، فرهنگ‌ها و نظام‌های سیاسی دانست که زمینه‌های لازم برای قاعده‌مندی کنش اجتماعی را به وجود می‌آورد. به همان‌گونه‌ای که هنجارسازی زیرساخت‌های اقتصاد خودکفا، خوداتکا و یا رقابتی را شکل خواهد داد (رضایی، ۱۳۸۷: ۲۳).

هنجارگرایی در راهبرد سیاست خارجی ایران زمینه شکل‌گیری هویت را به وجود می‌آورد. هویت کشور تنها به وسیله هنجارها و ساختارهای اجتماعی داخلی که از طریق فرآیند جامعه‌پذیری اجتماعی درونی می‌شوند نیز در تکوین هویت کشور تعیین‌کننده هستند. در فرآیند هویت‌سازی علاوه بر متغیرهای هنجاری بین‌المللی داخلی مانند فرهنگ سیاسی، ایدئولوژی، جهان‌بینی، زبان، ویژگی‌های انسانی - جمعیتی و جغرافیایی کشور نقش سازنده و قوام‌بخشی دارند. فوکویاما در سال ۲۰۱۸ آخرین کتاب خود را با عنوان «هویت؛ تقاضای کرامت و سیاست خشم» منتشر نمود. در این کتاب فوکویاما نشان داد که هویت می‌تواند زمینه بازتولید کنش سیاسی و اجتماعی کشورها در محیط منطقه‌ای را فراهم سازد (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۶۵).

۸- مدل‌سازی کنش انقلابی ایران در دفاع مقدس

هر انقلاب سیاسی دارای شاخص‌ها و سازوکارهای خاص خود می‌باشد. انقلاب ایران به لحاظ ساختار، محتوا، استراتژی و تاکتیک با تمامی انقلاب‌های لیبرالی و سوسیالیستی جهان متفاوت بوده است. اندیشه سیاسی و جهت‌گیری کنش انقلابی ایران نیز دارای نشانه‌هایی از تفاوت و تمایز با انقلاب روسیه، چین، کوبا و نیکاراگوئه بوده و به همین دلیل از سازوکارهای متفاوت کنشگری محیط منطقه‌ای برخوردار بوده است. مدل‌سازی کنش انقلابی ایران ماهیت اجتماعی داشته و با

بسیاری از ویژگی‌های «پارادایم جدید آلن تورن» مشابهت دارد.

مدل انقلابی ایران اولاً ماهیت معناگرایانه داشته، ثانیاً اجتماع‌محور بوده، ثالثاً در فضای اجتماعی و ساختاری ظهور پیدا کرد که نشانه‌هایی از گسست ساختاری در آن مشاهده می‌شد، رابعاً بازنمایی اجتماعی جامعه را به وجود آورده و نکته آخر آن است که می‌توان آن را پایان جنبش‌های اجتماعی انقلابی و رادیکال دانست. واقعیت آن است که جنبش‌های اجتماعی بعد از جنگ سرد، عموماً با شاخص‌های «انقلاب رنگی» هماهنگی داشته به گونه‌ای که صرفاً به موضوعات فرهنگی، الگوهای کنش اقتصادی جماعت‌گرایانه، برابری قومی و جنسیتی پیوند داشته که در نهایت به فضای «پست‌فمینیسم» و «زن در لباس سوژه» منجر شده است (تورن، ۱۳۹۶: ۳۱۹).

ایران در دوران دفاع مقدس از سازوکارهای مربوط به «مدل انقلابی» بهره گرفت. ویژگی اصلی مدل انقلابی را می‌توان در سازوکارهای هویتی، تغییر در موازنه قدرت و ایجاد چالش در برابر سیاست مداخله‌گرایانه قدرت‌های بزرگ در محیط منطقه‌ای دانست. انقلاب ایران نه تنها در ذات خود به عنوان انقلاب منحصر به فردی بوده است، بلکه فرایندهای استراتژیک و دیپلماتیک آن نیز ماهیت کاملاً متفاوتی با سایر انقلاب‌ها و همچنین سایر بحران‌های اجتماعی داشته است.

«احتشامی» در این ارتباط بیان می‌دارد که مدل انقلاب اسلامی ایران دارای ویژگی‌های خاص خود است. این انقلاب باب جدیدی از تحولات انقلابی غیرسوسیالیستی را در جهان گشوده و چهره خود را در اواخر قرن بیستم به عنوان کشوری که نه دارای ویژگی‌های سوسیالیستی و نه دارای ویژگی‌های غربی و سرمایه‌داری است؛ ترسیم نمود. در حقیقت رهبران آن گام‌های بلندی برداشتند تا کشور خویش را به عنوان مدل جدید بین‌المللی که متمایز از بلوک‌های قدرتمند نظام جهانی و جنگ سرد می‌باشد، انعکاس دهند.

در این میان کارگزاران نظام انقلابی ایران، خویش را اخلاقاً برتر از سایر گروه‌هایی می‌دانستند که تاکنون وجود داشته است. بنابراین انقلاب اسلامی ایران را می‌توان جایگزین جدیدی در میان گروه‌های انقلابی نوین دانست. در فرآیند تحولات انقلابی کشورهای پیرامونی در سال‌های بعد از جنگ دوم جهانی تنها جمهوری اسلامی بود که سطحی مساوی از خصومت و تعارض نسبت به شرق و غرب را در رفتار خود نمایان می‌ساخت. سایر کشورهای انقلابی از انجام هرگونه اقدام مستقل از قدرت‌های بزرگ عاجز ماندند (احتشامی، ۱۳۷۸: ۱۹۸).

رویکرد مبتنی بر موازنه‌گرایی منطقه‌ای را می‌توان به‌عنوان بخشی از سازوکارهای کنش

بازیگران منطقه‌ای در ارتباط با امنیت عراق و سوریه دانست. هر یک از واحدهای منطقه‌ای همانند ترکیه، عربستان، مصر، امارات عربی متحده و قطر به گونه تدریجی توانستند موقعیت خود را در فضای رقابت‌های ژئوپلیتیکی عراق و سوریه ارتقا دهند. از آنجایی که عراق به‌عنوان «خط مقدم ژئوپلیتیکی تعارض» فرهنگی و راهبردی جهان عرب با ایران قرار دارد، طبیعی به نظر می‌رسد که ایران می‌بایست نقش موثری در فضای منطقه‌ای ایفا نماید.

مدل انقلابی ایران نیازمند ارتقا سطح کنش با گروه‌های اجتماعی کشور هدف بوده است. بر این اساس ایران توانست زمینه‌های لازم برای حداکثرسازی معادله کنش تعاملی در محیط سیاسی عراق و سایر کشورهای جهان عرب را فراهم آورد. جایگاه‌یابی ایران در محیط منطقه‌ای عراق توانست شکل جدیدی از موازنه منطقه‌ای را به وجود آورد. هر موازنه منطقه‌ای می‌بایست براساس «معادله قدرت، ایدئولوژی و امنیت» شکل گیرد. ایران برای نقش‌یابی منطقه‌ای ناچار بود تا موقعیت خود را در محیط منطقه‌ای غرب آسیا ارتقا دهد.

نقش‌یابی ایران بر عراق دارای مخاطبین سیاسی خاص خود بود. گروه‌های شیعی و کردهای عراق را می‌توان به‌عنوان اصلی‌ترین مخاطب ژئوپلیتیکی ایران برای اعمال فشارهای سیاسی و تاکتیکی بر حکومت صدام حسین دانست. چنین فرآیندی می‌توانست زمینه لازم برای ظهور شکل جدیدی از موازنه منطقه‌ای را فراهم آورد. موازنه جدید منطقه‌ای در عراق مربوط به شرایطی است که بتواند زمینه نقش‌یابی متقابل کشورهای منطقه‌ای برای ایجاد ثبات و حفظ وضع موجود را فراهم آورد. ایران از سیاست حفظ وضع موجود در بحران عراق، سوریه و قره‌باغ بهره گرفته است (برزگر، ۱۳۸۷: ۶۲).

۹- سیاست کنش ژئوپلیتیکی در دوران دفاع مقدس

در دوران دفاع مقدس ایران به گونه اجتناب‌ناپذیر ناچار بود تا از سازوکارهای مربوط به «سیاست کنش ژئوپلیتیکی» استفاده کند. چنین رویکردی بخشی از سازوکارهای رفتار منطقه‌ای و راهبردی ایران در دوران جنگ تحمیلی است. اصلی‌ترین نشانه رفتاری و کارویژه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در تغییرات بنیادین دانست که با سازوکارهای گذشته نظم‌های امنیتی پیوند یافته است. تحقق چنین شرایطی ناشی از نقش مسئولانه جمهوری اسلامی در ساختار امنیت منطقه‌ای محسوب می‌شود.

سیاست ژئوپلیتیکی ارتباط مستقیم با اراده کارگزاران سیاسی، قابلیت‌های ابزاری و بهره‌گیری از توان کنشگری بازیگران ائتلاف امکان‌پذیر خواهد بود. در غیر این صورت زمینه برای ایفای نقش ژئوپلیتیکی با اختلال همراه می‌شود. اگر نظام سیاسی ایران فاقد اراده لازم برای مقابله با تهدیدات کم‌شدت، منطقه‌ای و بین‌المللی بود، در آن شرایط طبعاً حوزه ژئوپلیتیک منطقه‌ای آسیای جنوب غربی با نشانه‌هایی از بحران، آشوب و ناآرامی‌های پایان‌ناپذیر همراه می‌شد.

نقش‌یابی ایران در محیط منطقه‌ای می‌توانست فضای سیاسی و «موازنه ژئوپلیتیکی» منطقه‌ای را دگرگون کند. براساس چنین رویکردی بود که زمینه برای محدودسازی ایران از طریق اقدامات و سازوکارهای کنش غیرمستقیم همانند «جنگ‌های نیابتی» از سوی ایالات متحده فراهم شد. جنگ عراق علیه ایران نمادی از نشانه‌هایی مربوط به جنگ‌های نیابتی می‌باشد که زمینه لازم برای کاهش قدرت ایران در حوزه کنش ایدئولوژیک، صدور انقلاب، الهام‌بخشی، هنجارسازی و رسالت‌گرایی را به وجود می‌آورد.

به همان گونه‌ای که جنگ تحمیلی تابعی از ضرورت‌های تغییرات ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود، مقاومت ایران در فرآیند دفاع مقدس توانست شکل دیگری از دگرگونی‌های ژئوپلیتیکی را به وجود آورد. آنچه به عنوان ژئوپلیتیک مقاومت محسوب می‌شود، در دوران دفاع مقدس شکل گرفته و به گونه تدریجی گسترش پیدا کرده است. کنش راهبردی در هر کشوری تحت‌تاثیر سازوکارهای محیط منطقه‌ای شکل می‌گیرد. نظم منطقه‌ای در محیط ژئوپلیتیکی براساس قالب‌های تحلیلی متفاوتی تبیین می‌شود. بهره‌گیری از چنین منابعی زیرساخت‌های تحلیلی این پژوهش را شکل می‌دهد. چوبین درصدد بود تا واقعیت‌های ساخت اقتصادی و اجتماعی ایران را به‌عنوان پشتوانه کنش راهبردی در محیط منطقه‌ای تبیین کند (Chubin, 1987: 63).

۱۰- سیاست رهبر منطقه‌ای در دوران دفاع مقدس

کشوری که سیاست رهبر منطقه‌ای را ایفا می‌کند باید بتواند از آموزه‌های راهبردی، گفتمان‌های هویتی و فرایندهای کنش سیاسی سایر بازیگران حمایت به عمل آورد. در چنین فرایندی می‌توان راهبردهایی را مورد توجه قرار داد که زمینه‌های ایجاد ثبات، تعادل و کنش معطوف به موازنه در سیاست خارجی ایران را فراهم سازد. چنین رویکردی را جمهوری اسلامی ایران در راهبرد منطقه-ای خود مورد استفاده قرار داده است. حمایت از سوریه، حزب الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی

براساس الهام‌بخشی ایدئولوژیک شکل گرفته است.

تسخیر سفارت آمریکا که زمینه ساختاری برای استعفا دولت بازرگان را به وجود آورد، زیرساخت‌های «انقلاب دوم» را شکل داد. به همان‌گونه‌ای که انقلاب اول معطوف به مقابله با نظام سیاسی پهلوی بود، انقلاب دوم دارای جهت‌گیری منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. انقلاب دوم زیرساخت‌های لازم برای ایفای نقش ایران به‌عنوان «بازیگر ضدساختاری» در نظام بین‌الملل را به وجود آورد. به همین دلیل است که ایالات متحده، کشورهای اروپایی و اتحاد شوروی دارای رویکرد نسبتاً یکسانی برای محدودسازی سیاست ایران در محیط منطقه‌ای و سیاست بین‌الملل بودند (بازرگان، ۱۳۶۳: ۴۲).

راهبرد رهبر منطقه‌ای در جهت‌گیری سیاست خارجی ایران منجر به اتخاذ سازوکارهایی همانند مقاومت، صدور انقلاب و تغییر در موازنه قدرت می‌شد. سیاست خارجی دولت موقت براساس نشانه‌هایی از «کنش متقابل و توازن» با کشورهای مختلف جهان بوده است. بازرگان نیز به موضوعاتی همانند الهام‌بخشی در سیاست خارجی ایران واقف بود، درحالی‌که بازرگان اولویت را بر ایجاد «جامعه نمونه» در ایران قرار داده بود. بازرگان به این موضوع اشاره داشت که اگر جامعه نمونه در ایران شکل گیرد، در آن شرایط الهام‌بخشی بدون توجه به سازوکارهای ایدئولوژیک و ساختاری حاصل خواهد شد.

رویکرد موازنه‌گرایی بازرگان در سیاست خارجی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با قالب‌های ایدئولوژیک و جهت‌گیری مربوط به «انقلاب دوم» هماهنگی نداشت. به همین دلیل است که دولت بازرگان دوران تاریخی خود را پایان یافته دانست. بازرگان کتابی با عنوان «انقلاب ایران در دو حرکت» منتشر نمود. کتاب بازرگان براساس آموزه‌های «کرین بریتون» در کتاب «کالبدشکافی چهار انقلاب» تنظیم شده بود. در نگرش بازرگان و بریتون، رادیکال‌های سیاسی و سیاست خارجی جایگزین دولت‌های لیبرال بعد از پیروزی انقلاب‌های سیاسی می‌شود. (بازرگان، ۱۳۶۳: ۷۵).

نتیجه‌گیری

جهت‌گیری سیاست خارجی ایران در دوران بعد از انقلاب اسلامی تابعی از معادله قدرت، تهدیدات و شرایط ساختاری است. جنگ تحمیلی تاثیر قابل توجهی بر رادیکالیزه شدن انقلاب اسلامی ایران به جا گذاشت. بررسی‌های تاریخی و ساختاری انجام شده توسط «کرین بریتون»

بیانگر این واقعیت است که انقلاب‌ها تحت‌تأثیر فشارهای بین‌المللی بازتولید شده و برای بقا خود به سازوکارهای رادیکالیزه شده روی می‌آورند. جنگ عراق علیه ایران را می‌توان یکی از شاخص‌های «جنگ نیابتی» جهان غرب و کشورهای عرب خاورمیانه علیه شاخص‌های مربوط به الهام‌بخشی انقلاب اسلامی ایران دانست.

در سپتامبر ۱۹۸۰ عراق حمله نظامی خود به ایران را به انجام رساند. حمله نظامی عراق با هدف اعلامی تغییر در «قرارداد الجزایر ۱۹۷۵» و گذار از رژیم حقوقی «خط تالوک» به‌عنوان معیار اصلی نقش‌یابی ایران و عراق در اروندرود بوده است. «سیاست عملی عراق» را می‌توان تابعی از سازوکارهای «تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای» دانست. چنین الگویی نقش قابل‌توجهی در سیاست راهبردی ایران به انجام رسانده و توانست زمینه‌های لازم برای بهینه‌سازی ساختار قدرت در ایران را فراهم آورد.

نقش عراق در فضای بعد از انقلاب اسلامی ایران در جهت مقابله با «الگو و کنش انقلابی» در محیط منطقه‌ای شکل گرفت. انرژی نهفته شده در ساختار سیاسی و ایدئولوژی بعثی عراق در جهت مقابله با انقلاب اسلامی ایران به کار گرفته شد. نیکسون و کیسینجر در تفاسیر خود به این موضوع اشاره داشتند که انقلاب ایران و جنگ عراق علیه ایران از این جهت برای جهان غرب اهمیت دارد که نیروهای رادیکال منطقه‌ای خاورمیانه بیش از آنکه علیه منافع جهان غرب و اسرائیل به کار گرفته شود، در فضای رویارویی با یکدیگر خشی شدند.

جهان عرب و بازیگران اصلی نظام بین‌الملل حمایت دوفاکتوی خود را از عراق به انجام رساندند. حزب بعث عراق محوریت اصلی کنش‌گری خود را در مقابله نظامی و عملیات تاکتیکی با ایران قرار داد. واقعیت آن است که کنش راهبردی ایران در جهت مقابله با تجاوز و اقدامات نظامی عراق در داخل خاک ایران شکل گرفت. ایران در سال‌های بعد از عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر بر ضرورت «تنبیه متجاوز» به‌عنوان محور اصلی سیاست خارجی خود تأکید داشت.

ارزیابی‌های انجام شده بیانگر آن است که جهت‌گیری محوری سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس مبتنی بر «عدم تعهد رادیکال» بوده است. عدم تعهد رادیکال در سیاست خارجی نیازمند به‌کارگیری سازوکارهایی است که زمینه حداکثرسازی مقاومت در برابر تهدیدات را به وجود می‌آورد. اولین نشانه عدم تعهد رادیکال را ایدئولوژی انقلابی تشکیل می‌دهد. ایدئولوژی انقلابی از قابلیت بسیج اجتماعی برخوردار بوده و منجر به تحرک عملیاتی بازیگران می‌شود.

عدم تعهد رادیکال مربوط به الهام‌بخشی سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس بوده که زیرساخت کنش ارتباطی و بین‌الذهانی با جنبش‌های مقاومت منطقه‌ای را اجتناب‌ناپذیر ساخت. دیگر جهت‌گیری سیاست خارجی ایران مربوط به صدور انقلاب بوده که با ذات، ایدئولوژی و قالب‌های هستی‌شناسانه ایران پیوند یافته است. در نتیجه چنین فرآیندی زمینه برای موازنه‌گرایی در سیاست خارجی ایران به وجود می‌آید.

در مقطعی سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس براساس شاخص‌های «مدافع منطقه‌ای» شکل گرفت. ویژگی اصلی مدافع منطقه‌ای را می‌توان بهره‌گیری از سازوکارهایی دانست که منجر به بقا، ارتقا و نقش‌یابی ژئوپلیتیکی ایران در محیط منطقه‌ای خواهد شد. اولین نشانه سیاست مدافع منطقه‌ای را هویت مقاومت تشکیل می‌دهد. هویت با انقلاب ایران شکل گرفت و آثار خود را در بسیج گروه‌های اجتماعی محیط منطقه‌ای به جا گذاشته است.

یکی دیگر از سیاست‌های خارجی ایران در دفاع مقدس مدل‌سازی کنش انقلابی است. مدل دینی در کنش انقلابی مبتنی بر نشانه‌هایی از معناگرایی، تسامح و مصالحه شکل گرفته است. طبیعی است که چنین فرآیندی تحت تأثیر موج‌های رادیکال بازتاب رادیکال پیدا می‌کند. سیاست مدافع منطقه‌ای ایران مبتنی بر سازوکارهای کنش ژئوپلیتیکی بوده که انعکاس آن را می‌توان در سازوکارهایی همانند «تهدید در برابر تهدید» و «جنگ جنگ تا پیروزی» جستجو نمود. یکی از ویژگی‌های سیاست خارجی ایران در دفاع مقدس را رهبری منطقه‌ای تشکیل می‌دهد که می‌تواند زمینه‌های لازم برای ایجاد نیروی موازنه‌ساز در محیط منطقه‌ای را فراهم آورد.

منابع

- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸). سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی: اقتصاد، دفاع و امنیت، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- اسکاچیل، تدا (۱۳۸۹). دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی، ترجمه مجید روئین‌تن، تهران: انتشارات سروش.
- بازرگان، مهدی (۱۳۶۳). انقلاب ایران در دو حرکت، تهران: انتشارات نهضت آزادی ایران.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۷). ایران، عراق جدید و نظام سیاسی - امنیتی خلیج فارس، تهران: انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- بریچر، مایکل (۱۳۸۲). بحران در سیاست جهان؛ ظهور و سقوط بحران‌ها، ترجمه فردین قریشی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تورن، آلن (۱۳۹۶)، «پارادایم جدید»، ترجمه سلمان صادقی‌زاده، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- رضایی، محسن (۱۳۸۷). «جنگ تحمیلی و پایه‌ریزی قدرت ملی»، فرهنگ پایداری، دوره جدید، سال اول، زمستان. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۸). هویت؛ تقاضا برای کرامت، سیاست و رنج و تنفر، ترجمه لقمان کاظمی‌پور، تهران: نشر رمان سخن.
- فولر، گراهام (۱۳۷۳). قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- والترز، کنت (۱۳۹۸). انسان، دولت و جنگ، ترجمه محمدرضا رستمی، تهران: نشر ثالث.
- Adelson, Roger (1994) "The Invention of the Middle East," New Haven: Yale university Press.
- Chubin, shahram (1987), "Iran and its Neighbors: The impact of the Gulf War", Conflict Studies, No. 204, London the Centre for Security and Conflict Studies.
- Cordesman, Anthony H. and Abraham R. Wagner (1990), "The lessons of Modern wars The Iran-Iraq war", Boulder: Westview Press.
- Kapuscinski, Ryszard (1982), "The Shah of Shahs", New York: Harcourt, Brae and Jovanovich.